

بررسی ارتباط نتایج آزمون مونوفیلانتهای سمز - وینشتاین و مطالعات هدایت عصبی در زنان مبتلا به سندرم تونل کارپ

چکیده

سندرم تونل کارپ (Carpal Tunnel Syndrome=CTS) یکی از شایع‌ترین نوروپاتی‌های فشاری است که تعداد زیادی از بیماران به علت آن به مراکز کاردردمانی مراجعه می‌کنند. بنابراین برای ارزیابی این بیماری استفاده از آزمون‌های حساس و تکرارپذیر ضروری می‌باشد. در تشخیص نهایی بسیاری از بیماری‌ها از جمله سندرم تونل کارپ، به دلیل وقفه‌ای که در هدایت الکتریکی عصب رخ می‌دهد، از آزمون مطالعات هدایت عصبی (Nerve Conduction Study=NCS) استفاده می‌شود. از سوی دیگر به علت وجود فشار روی عصب مدین در تونل کارپ، رشته‌های عصبی مختلف از جمله اعصاب مربوط به حس لمس و فشار آسیب می‌بینند. این رشته‌های عصبی به دلیل داشتن میلین و قطر زیاد بیش از سایر رشته‌ها در معرض آسیب قرار دارند. از این رو آزمون‌های آستانه‌ای که آزمون مونوفیلانتهای سمز - وینشتاین (Semmes Weinstein Monofilaments=SWMs) نیز از جمله آن‌ها محسوب می‌گردد، حساس‌ترین آزمون‌های نشان دهنده ناهنجاری بالینی در نوروپاتی فشاری هستند. در این پژوهش سعی شد به بررسی این دو آزمون پرداخته شود سپس رابطه آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا در صورت هم‌سو بودن نتایج، بتوان از آزمون SWMs به عنوان آزمونی مکمل بهره گرفت. در این مطالعه ۳۳ زن مبتلا به CTS به طور غیرتصادفی انتخاب شدند و آزمون NCS توسط فرد متخصص و آزمون SWMs توسط آزمون‌گر برای آن‌ها انجام شد. این بررسی نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین نتایج آزمون SWMs انگشتان و NCS شامل آزمون‌های سرعت هدایت حسی، زمان تأخیر انتهایی حسی و حرکتی، آمپلی تود حسی و حرکتی وجود دارد که این ارتباط در انگشت شست از هم بستگی بیش‌تری برخوردار بود و با افزایش شدت بیماری نمره SWMs افزایش می‌یافت. با توجه به نتایج به دست آمده در این جامعه آماری می‌توان به دلیل هزینه کم‌تر، در دسترس بودن و راحتی بیش‌تر بیمار، از آزمون SWMs به ویژه در انگشت شست استفاده کرد اما با توجه به حساسیت و ویژگی هر دو آزمون بهتر است در مواردی که ارزیابی و تشخیص دقیق یا جراحی مطرح می‌شود از هر دو آزمون استفاده کرد.

پروین راجی I

دکتر اسماعیل ابراهیمی تکامجانی II

*دکتر بیژن فروغ III

لاله لاجوردی I

اکرم آزاد I

کلیدواژه‌ها: ۱- سندرم تونل کارپ ۲- آزمون مونوفیلانتهای سمز - وینشتاین

۳- مطالعات هدایت عصبی

این مقاله خلاصه‌ای است از پایان نامه خانم پروین راجی جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد کاردردمانی به راهنمایی دکتر اسماعیل ابراهیمی تکامجانی و مشاوره دکتر بیژن فروغ و خانم‌ها لاله لاجوردی و اکرم آزاد، سال ۱۳۸۱.

(I) کارشناس ارشد کاردردمانی جسمانی، دانشکده علوم توان‌بخشی، میدان محسنی، خیابان شهید شاه‌نظری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران.

(II) دانشیار فیزیوتراپی، دانشکده علوم توان‌بخشی، میدان محسنی، خیابان شهید شاه‌نظری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران.

(III) استادیار طب فیزیکی و توان‌بخشی، دانشکده علوم توان‌بخشی، میدان محسنی، خیابان شهید شاه‌نظری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران (*مؤلف مسئول)